

۲۲۴۲۹۷۹



www.ketab.ir

پول و قانون جذب

آموزش جذب ثروت، تندرستی و شادمانی

جری هیکس

استر هیکس

روشنک موسوی



تهران، خیابان انقلاب،
خیابان لبافی نژاد، بعد از
خیابان دانشگاه نبش
کوچه اسلامی پلاک ۸۶
طبقه ۳
تلفن: ۰۹۱۲۸۵۷۳۶۲۵

**MONEY, AND THE LAW OF
ATTRACTION**

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
عنوان اصلی: Money, and the law of attraction : learning to attract wealth, health, and happiness, c2008
موضوع
موفقیت . جنبه‌های روان‌شناسی Success . Psychological aspects
پول Money
تفکر نوین New thought
سلامتی Health
بهبودی being Well
هیکیس، استر، ۱۹۴۸ م. Hicks, Esther, 1948.
هیکیس، جری Jerry
موسوی، روشنگر، ۱۳۶۵، مترجم
BF۶۳۷
۱۵۸/۱
۸۵۱۴۷۸۹
فیبا
شماره کتابشناسی ملی
اطلاعات رکورد کتابشناسی

www.ketab.ir

پول و قانون جذب
نوشته‌ی: جری هیکیس - استر هیکیس
ترجمه‌ی: روشنگر موسوی
ویراستار: احمدطه ممدوح
ناشر: ادبیات معاصر
طراح جلد: کارگاه گرافیک آسار
حروفچینی و صفحه‌آرایی: آبان گرافیک
نوبت چاپ: چهارم ۱۴۰۳
تیراژ: ۲۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۶۱۰۶ - ۹ - ۵
قیمت: ۱۸۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۹	بخش ۱: تغییر محور و معنی ابعاد مثبت
۲۱	داستان شما و قانون جذب
۲۱	آیا زندگی گاهی ناعادلانه به نظر می‌رسد؟
۲۳	همه‌ی تلاشتان را می‌کنید و هم‌چنان فایده ندارد؟
۲۴	هرچه را بتوانم آرزو کنم، می‌توانم به دست آورم
۲۴	موفق شدن حق طبیعی و مسلم من است
۲۶	پول ریشه‌ی فساد یا خوش‌بختی نیست
۲۸	پایداری قانون جذب را می‌دانستم
۲۹	منظورمان از ارتعاش چیست؟
۳۱	وقتی احساس وفور نعمت داشته باشم، وفور نعمت من را خواهد یافت
۳۲	به‌جای زندگی منفعلانه، عامدانه و آگاهانه زندگی کنید
۳۳	همان داستانی را بگویید که دوست دارید تجربه کنید
۳۴	هر موضوعی در واقع دو موضوع است
۳۵	داستانی که الان می‌گوییم چیست؟
۳۶	فرایند تغییر محور می‌تواند جهت زندگی‌ام را تغییر دهد
۳۷	من خالق زندگی خود هستم
۳۸	افکار هم‌سو افکاری هستند که احساس خوبی ایجاد می‌کنند

- از چشم انداز منشأ وجود دنیا را ببینیم ۳۹
- می توانم به طور عامدانه و آگاهانه تصمیم بگیرم که حالم خوب باشد ۴۱
- آیا ممکن است بیماری از احساسات منفی ناشی شده باشد؟ ۴۱
- آیا با خواسته ام در هماهنگی هستم؟ ۴۴
- آیا بر مطلوب ها تمرکز کرده ام یا بر نامطلوب ها؟ ۴۸
- زمان خواب، زمان تنظیم انرژی هست ۶۰
- بخش ۲: جذب پول و تجلی وفور ۸۷**
- جذب پول و تجلی وفور ۸۹
- افکار کمبود محور فایده ندارند ۹۱
- آیا آزادی را با پول معامله کنیم؟ ۱۱۲
- یک داستان «قدیمی» درباره ی پول ۱۲۳
- بخش ۳: حفظ سلامت تن ۱۲۷**
- افکارم وضعیت جسمانی را تعیین می کنند ۱۲۹
- گله گزاری از گله مندی منجر به گله گزاری است ۱۳۰
- در بدنم احساس خوبی دارم ۱۳۱
- قانون جذب هر فکری را توسعه می دهد ۱۳۳
- دقایقی برای تندرستی عمده ۱۳۵
- من مقید به باورهای دیگران نیستم ۱۳۶
- زمان کافی برای به نتیجه رساندن وجود دارد ۱۳۸
- چرا به دنبال وضعیت جسمانی عالی هستم؟ ۱۳۹
- می توانم به وجود درونی جاودان خود اعتماد کنم ۱۴۰
- نقش افکار در آسیب جسمی چیست؟ ۱۴۱
- آیا ممکن است یک بیماری مادرزادی با ارتعاش برطرف شود؟ ۱۴۲
- بیماری های جدی می آیند و می روند؛ اما چرا؟ ۱۴۲
- من شاهد بودم که بدنم به طور طبیعی شفا یافت ۱۴۳
- با توجه کردن به تندرستی، تندرستی ماندگار می شود ۱۴۴
- وقتی حس می کنم باید به دکتر مراجعه کنم ۱۴۵
- سرخوشی بین آرواره های شیر ۱۴۶
- کسی که درد دارد چه طور می تواند بر چیز دیگری تمرکز کند؟ ۱۴۸

- ۱۴۹ تندرستی حالت ذاتی من است
- ۱۵۰ اما مگر ممکن است که افکار یک نوزاد بیماری جذب کند؟
- ۱۵۱ چرا عده‌ای بیمار متولد می‌شوند؟
- ۱۵۳ بیایید درباره‌ی مفهوم بیماری‌های «علاج» صحبت کنیم
- ۱۵۳ بر خوشی تمرکز کنید تا تندرستی را بازیابید
- ۱۵۴ آیا بی‌توجهی به بیماری باعث برطرف شدن آن می‌شود؟
- ۱۵۶ تأثیر واکسن بر بیماری‌ها چیست؟
- ۱۵۶ پزشکان، درمانگران و شفادهندگان چه می‌گویند؟
- ۱۵۸ برای کمک به آن‌ها چه می‌توانم بکنم؟
- ۱۵۹ اما اگر بیمار در کما باشد چه‌طور؟
- ۱۶۰ ممکن است که بیماری مادر بزرگم را به ارث ببرم؟
- ۱۶۱ نقش رسانه در همه‌پرسی‌ها چیست؟
- ۱۶۲ جلوی احساسات ناراحت‌کننده از همان زمان
- ۱۶۲ که کوچک هستند، بگیرید.
- ۱۶۸ مثالی از یک داستان «جدید» درباره‌ی خودی فیزیکی
- ۱۷۱ بخش ۴: دیدگاه‌های مربوط به تندرستی، وزن و بدن
- ۱۷۳ می‌خواهم از بدنی سالم برخوردار باشم
- ۱۷۴ می‌خواهم تجارب و خواسته‌هایم را متعادل کنم
- ۱۷۷ کاشتن دانه‌های ترس، ترس بیشتری می‌رویند
- ۱۹۷ بخش ۵: سوابق شغلی، یک منبع شادی پرسود
- ۱۹۹ گام اول در انتخاب مسیر شغلی
- ۲۱۵ دوست دارم در کارم احساس آزادی داشته باشم
- ۲۱۵ ابعاد مثبت آن کدامند؟
- ۲۱۹ زمانی که در محل کار می‌گذرانم به ادراک خودم بستگی دارد
- ۲۲۱ آیا باید سعی کنم که سخت‌تر کار کنم؟
- ۲۲۲ نمونه‌ای از یک داستان «قدیمی» درباره‌ی شغلم
- ۲۲۳ نمونه‌ای از داستانی «جدید» درباره‌ی شغلم
- ۲۲۴ وقت آن رسیده که داستان جدیدی بگویند
- ۲۲۶ درباره‌ی نویسندگان

پیش‌گفتار



از جری هیکس

فکر می‌کنید چه چیزی شما را به این کتاب جذب کرده است؟ فکر می‌کنید چرا این کلمات را می‌خوانید؟ کدام بخش از عنوان کتاب توجه شما را جلب کرد؟ پول؟ سلامتی؟ شادمانی؟ چگونه جذب کردن؟ یا شاید دایون جذب؟

دلیل شما برای توجه به این کتاب هر قدر هم که واضح بود باشد، اطلاعاتی که در این جا وجود دارد در پاسخ به چیزی که در جست‌وجوی آن بوده‌اید به سراغ شما آمده‌اند. این کتاب درباره‌ی چیست؟ این کتاب آموزش می‌دهد که زندگی باید حس خوبی داشته باشد و حالت طبیعی خشنودی همه‌جانبه است. این کتاب آموزش می‌دهد که زندگی کنونی شما هر قدر هم که خوب باشد، می‌تواند همیشه بهتر شود و اراده و قدرت ارتقاء زندگی‌تان در اختیار شخص خودتان است. این کتاب هم‌چنین ابزارهای فکری انجام‌پذیری ارائه می‌کند که در صورت استفاده‌ی مداوم به شما امکان می‌دهد ثروت، سلامت و شادمانی بیشتری را که حق طبیعی و مسلم شماست، تجربه کنید. (من از این مطمئنم زیرا مدام برایم اتفاق می‌افتد. هر

بار که خواسته‌ای را به‌طور کاملاً شفاف تجربه می‌کنم و به سراغ خواسته‌ی جدیدی می‌روم که تجلی می‌یابد، همه‌ی ابعاد زندگی‌ام بهتر و بهتر می‌شود.)

زندگی خوب است! اولین روز سال ۲۰۰۸ است و من این پیش‌گفتار را در سالن غذاخوری منزلگاه جدیدمان در دل مار^۱، کالیفرنیا آغاز کرده‌ام.

از زمانی که من و ایستر ازدواج کرده‌ایم (۱۹۸۰) تا جایی که امکان داشت، مرتباً به این مناطق «بهشت‌گونه» سر می‌زدیم؛ و پس آن همه‌سالی که قدرشناسانه بازدیدکننده‌ی منطقه‌ی سن‌دیه‌گو بوده‌ایم، حالا دیگر، قدرشناسانه، به‌عنوان ساکنین پاره‌وقت در این‌جا زندگی خواهیم کرد.

و چرا قدرشناس نباشیم؟ دوستی ما را راهنمایی کرد تا این ملک را بیابیم. (ما به او گفته بودیم که به دنبال ملکی نزدیک دل مار هستیم که بتوانیم در آن اتوبوس ۴۵ فوتی گردشگری خود را پارک کنیم). طراحان منظره، مهندسان، معماران، نجاران، لوله‌کش‌ها، سازندگان سقف‌های سفالی و ناودان‌های مسی آمدند. پیشه‌وران ماهر و مستعدی نیز آمدند: از جمله نقاشی‌کاران، گچ‌برها، نقاشان، سازندگان حصار و دروازه و آهن‌گران. نصب‌کنندگان اسانسورهای سفارشی، درهای کشویی، پنجره‌ها و درهای چوبی قوس‌دار و شیشه‌های رنگی نیز آن‌جا حضور یافتند. افراد حرفه‌ای و پیشرفته‌ای آمدند که سیستم‌های روشنایی هوشمند لوترون^۲، سیستم شبکه‌ی صوتی / تصویری / رایانه‌ای، سیستم تهویه مطبوع کنترل‌شده (بی‌صدا) و چندمنطقه‌ای‌ترین^۳ و تجهیزات آشپزخانه و لباس‌شویی از برندهای اسنیدرو^۴، میله^۵، بوش^۶ و ویکینگ^۷ را نیز نصب کردند. کسانی آمدند که چینش مبلمان ما را آن‌قدر جابه‌جا کردند تا با سلیقه‌ی ما مطابق شود. گروه‌هایی از

1 Del Mar

2 Lutron

3 Trane multiple-zone master-controlled (silent) air-conditioning

4 Snaidero

5 Miele

6 Bosch

7 Viking

حفاران، گودبردارها، باربرها، سیمان‌ریزها، سنگ‌تراشان زحمتکش و هم‌چنین متخصصان از ریشه درآوردن درختان کاملاً رشد کرده نیز آمدند؛ و هزاران نفر دیگر نیز بودند که در ابداع، خلق و توزیع هزاران محصولی که مورد نیاز بود دستی داشتند و نیز پولی کسب می‌کردند... این‌ها چیزهای زیادی برای قدردانی هستند.

و همه‌ی این‌ها فقط قلعه‌ی کوه یخ برای قدردانی بود. در فاصله‌ی چند دقیقه‌ای، رستوران‌هایی با صاحبان و کارمندان مورد علاقه‌ی خود کشف کردیم و پس از آن، به شکل غیرقابل باوری انواع همسایگان خوب و گشاده‌رو از ما به‌گونه‌ای استقبال کردند که هرگز چیزی شبیه آن را تجربه نکرده بودیم.

چیزهای بیشتری هم بودند. به سمت جنوب، آن سوی کارمل ولی کریک^۱، منظره‌ی خیره‌کننده‌ای از منطقه‌ی ایالتی حفاظت‌شده و بکر توری پاینز^۲ وجود دارد، و آشیانه‌های مرغ‌های دریایی و تالاب و هیاهوی موج‌های کف‌آلود اقیانوس آرام که خستگی‌ناپذیر ساحل توری پاینز را دوست‌وشو می‌دهند. آری، زندگی خوب است!

(من و استر تازه از پیاده‌روی کوتاهی در ساحل بازمی‌آیم و حالا آماده می‌شویم تا غروب تغییرات نهایی جدیدترین کتاب آبراهام یعنی پول و قانون جذب: چگونگی جذب ثروت، تندرستی و شادمانی را به انجام برسانیم.)

بیش از ۴۰ سال پیش، هنگام اجرای مجموعه کنسرت‌هایی در دانشگاه‌های سراسر کشور بود که «تصادفاً» چشمم به کتابی روی میز پذیرایی مهمان‌پذیری در شهر کوچکی در مونتانا^۳ افتاد. آن کتاب، بیندیشید و ثروتمند شوید^۴ ناپلئون هیل^۵ بود. این کتاب باورهای من درباره‌ی پول را به شکل چشم‌گیری تغییر داد و استفاده

1 Carmel Valley Creek

2 Torrey Pines State Reserve

3 Montana

4 Think and Grow Rich

5 Napoleon Hill

از اصول آن موفقیت مالی را به گونه‌ای به سمت من جذب کرد که پیش از آن تصورش را نمی‌کردم.

فکر کردن و ثروتمند شدن چیزهایی نبودند که چندان علاقه‌ای به آن‌ها داشته باشم؛ اما اندکی پیش از کشف آن کتاب، تصمیم گرفته بودم که روش پول درآوردنم را تغییر و میزان درآمدم را افزایش دهم؛ و این چنین شد که جذب شدنم به سوی کتاب هیل پاسخ مستقیمی به آن چیزی که «درخواستش» را داشتم از آب درآمد. کمی پس از بر خورد با بیندیشید و ثروتمند شوید در آن مهمان‌پذیر در مونتانا، در یک مهمان‌پذیر در مینه‌سوتا با مردی آشنا شدم که یک فرصت کاری به من پیشنهاد داد. این موقعیت چنان با آموزه‌های هیل در تطابق بود که نه سال لذت‌بخش را روی ساختن آن کسب‌وکار تمرکز کردم. در طول آن نه سال، آن کسب‌وکار به یک شرکت بین‌المللی میلیون دلاری تبدیل شد و در آن مدت نسبتاً کوتاه، وضعیت مالی من از گذران روزمره (که واقعاً چیزی بود که من پیش از آن می‌خواستم) به تحقق همه‌ی آرزوهای مالی جدیدم تبدیل شد.

آن چه از کتاب هیل آموختم چنان شکوه‌بخش بود که من مفید واقع شد که این اثر را به عنوان «کتاب درسی» به کار گرفتم تا اصول موفقیت آن را با همکاران تجاری خود در میان بگذارم؛ اما وقتی به گذشته می‌نگرم، با این که آن آموزه‌ها برای من به شدت مؤثر بودند، متوجه شدم که فقط چند نفر از همکارانم موفقیت مالی عظیمی را کسب کرده‌اند که دوست داشتم همه‌ی آن‌ها داشته باشند؛ بنابراین، در جست‌وجوی سطح دیگری از پاسخ‌ها برآمدم که ممکن بود برای طیف وسیع‌تری از افراد مؤثرتر باشند.

در نتیجه‌ی تجربه‌ی شخصی خودم از فکر کنید و ثروتمند شوید، اطمینان یافتم که دستیابی به موفقیت چیزی است که می‌توان آموخت. ضرورتی ندارد در خانواده‌ای به دنیا بیاییم که از پیش بدانند چه‌طور پول درآورند. لازم نیست که در مدرسه نمرات خوبی کسب کنیم یا افراد خاصی را بشناسیم یا در کشور خاصی زندگی کنیم یا اندازه، رنگ، جنسیت، مذهب و دیگر ویژگی‌های خاصی داشته

باشیم... فقط باید چند اصل ساده را یاد بگیریم و سپس به طور مداوم آن‌ها را به کارگیریم.

با این حال، همگان پیام یکسانی از یک سخن دریافت نمی‌کنند - یا نتایج یکسانی از یک کتاب نمی‌گیرند؛ بنابراین، به محض این که درک بیشتری را «درخواست» کردم، اتفاقاً کتاب روشنگرانه‌ی اوهام^۱ ریچارد باخ^۲ به ذهنم خطور کرد؛ و گرچه اوهام یکی از مهیج‌ترین روزهای «ادراکی» زندگی‌ام را رقم زد و مفاهیمی با خود آورد که دریچه‌ی ذهنم را به سوی پدیده‌ای که در آستانه‌ی تجربه‌اش بودم گشود، اما هیچ اصل دیگری را مطرح نمی‌کرد که من بتوانم آگاهانه در کسب و کارم از آن بهره ببرم.

کشف «تصادفی» یک کتاب بی‌نهایت ارزشمند دیگر، وقتی برایم اتفاق افتاد که در حال وقت‌گذرانی در یکی از کتابخانه‌های فونیکس^۳ بودم. «در جست‌وجوی» چیزی نبودم اما ناگهان، در یکی از قفسه‌های بالایی، متوجه کتابی به نام *بست سخن می‌گوید*^۴ شدم که نوشته‌ی جین رابرت^۵ و رابرت اف باتز^۶ بود. *بست* که یک «موجود ماورائی» است، از طریق جین یک مجله‌ی کتاب را «دیکته» کرده بود و من همه‌ی آن‌ها را خواندم. با این که این شکل از برقراری ارتباط ممکن است برای اکثر افراد بسیار عجیب به نظر برسد و استر در ابتدا اصلاً با آن راحت نبود، من همیشه تمایل داشتم دام درخت را از روی میوه‌هایش قضاوت کنم. پس از جنبه‌هایی که به نظر «عجیب» می‌رسید چشم پوشیدم و بر قسمت‌هایی تمرکز کردم که از نظر خودم مثبت بودند یعنی بخش‌هایی عملی از مطالب *بست* که احساس می‌کردم می‌توانم برای کمک به دیگران در بهبود تجربیات زندگی‌شان از آن‌ها استفاده کنم.

1 *Illusions*

2 *Richard Bach*

3 *Phoenix*

4 *Seth Speaks*

5 *Jane Roberts*

6 *Robert F. Butts*

رویکرد ست به زندگی نسبت به آن چه قبلاً شنیده بودم متفاوت بود و من به دو تکیه کلام ست به طور خاص علاقه مند شدم: «شما خودتان واقعیت خود را خلق می کنید» و «کانون قدرت شما در لحظه ای اکنون است». البته هر قدر که خواندم، هرگز احساس نکردم که آن اصول را به درستی درک کرده ام اما به نوعی می دانستم که جواب سؤالات من درون آن هاست؛ اما جین دیگر در کالبد فیزیکی اش نبود، پس «ست» هم برای شفاف سازی بیشتر در دسترس قرار نداشت.

از پس یک سلسله اتفاقات تصادفی - به شیوه ای مشابه با تجربه ی ست و جین - استر، همسرم شروع به دریافت مطالبی کرد که تحت عنوان آموزه های آبراهام^۱ شناخته شده اند. (اگر تمایل داشتید یکی از اولین توضیحات ضبط شده ی ما در خصوص معرفی آبراهام را بشنوید، می توانید معرفی آبراهام^۲ را به صورت یک فایل صوتی ۷۰ دقیقه ای به طور رایگان از روی وبسایت ما دانلود کنید و یا سی دی آن را به صورت رایگان از دفتر ما سفارش دهید.

در سال ۱۹۸۵ که این پدیده در استر ظهور یافت، می توانستم حس کنم که برای تمایل من به درک بهتر قوانین جهان و این که چگونه می توانیم به طور طبیعی و خودخواسته در هماهنگی با آن قوانین عمل کنیم اهداف حضورمان در این کالبد فیزیکی را به سرانجام برسانیم پاسخ هایی به همراه آورد. به این ترتیب، حدود ۲۰ سال پیش، با استر کنار ضبط صوت کوچکی نشستیم و صدها پرسش درباره ی بیست موضوع مختلف که بیشتر آن ها درباره ی معنویت عملی بودند را با آبراهام مطرح کردیم. سپس، وقتی دیگران از آبراهام چیزهایی شنیدند و خواستند که با ما در تعامل باشند، این ۲۰ فایل ضبط شده را آماده و در دو آلبوم با موضوعات خاص منتشر کردیم.

در طی دو دهه، به دلیل کتاب ها، نوارها، سی دی ها، فیلم ها، دی وی دی ها، کارگاه های گروهی بسیار زیاد و حضور ما در رادیو و تلویزیون میلیون ها نفر از

1 Teachings of Abraham

2 Introduction to Abraham

آموزه‌های آبراهام آگاه شده‌اند. دیگر نویسندگان پرفروش نیز خیلی زود استفاده از آموزه‌های آبراهام را در کتاب‌ها، مصاحبه‌های رادیویی، تلویزیونی و کارگاه‌های خود آغاز کردند... و سپس، حدود دو سال پیش، یک تهیه‌کننده‌ی تلویزیونی استرالیایی به ما مراجعه کرد و خواست که یک مجموعه‌ی تلویزیونی در ارتباط با کار ما با آبراهام بسازد. او با دست‌اندرکاران فیلم‌سازی خود به یکی از سفرهای دریایی ما در آلاسکا پیوست، تصویربرداری را انجام داد و سپس به جست‌وجوی دیگر دانشجویان آموزه‌های ما رفت تا بتواند آن‌ها را نیز در دل فیلم بگنجاند - و باقی آن را همه می‌دانند.

این تهیه‌کننده آن فیلم را راز^۱ نامید و فیلم راز اصل اساسی آموزه‌های آبراهام یعنی قانون جذب را به نمایش می‌گذاشت. با این که شبکه‌ی استرالیایی (ناین^۲) آن را به عنوان سریال پذیرفته، این مستند مستقیماً به دی‌وی‌دی تبدیل شد و به صورت کتاب درآمد؛ و اکنون به لطف راز مفهوم قانون جذب به گوش میلیون‌ها نفری که خواستار زندگی بهتر بودند، رسیده است.

این کتاب از نگارش پنج مورد از عناوین ضبط‌شده‌ی ما در ۲۰ سال پیش شکل گرفت. این اولین باری است که نسخه‌های به نگارش درآمده‌ی آن به صورت چاپی در دسترس هستند. البته کلمه به کلمه مانند آن موارد ضبط‌شده نیستند زیرا آبراهام صفحه به صفحه‌ی نگارش‌های اولیه را بازبینی کرده و هر بخشی که امکان داشت فهمیدن و عملی کردنش برای خوانشگر ساده‌تر شود را اصلاح کرده است.

در دنیای آموزش، نقل‌قولی وجود دارد: «به آن‌ها بگو که قرار است به آن‌ها چه بگویی. سپس آن را به ایشان بگو و بعد به آن‌ها بگو که به آن‌ها چه گفته‌ای». در نتیجه، اگر خواستید خود را در این آموزه‌ها غرق کنید، احتمالاً هر چه پیش روید با تکرارهای زیادی مواجه خواهید شد زیرا بهترین شکل یادگیری از طریق تکرار اتفاق می‌افتد. نمی‌توانید همان عادت‌های فکری محدودکننده‌ی گذشته را ادامه دهید و

نتایج جدید نامحدودی به دست آوردید؛ اما از طریق تکرار و تمرین های ساده می توانید، به مرور زمان، عادت های جدیدی را شکل دهید که باعث پیشرفت در زندگی می شوند.

در دنیای رسانه نیز این نقل قول وجود دارد: «مردم ترجیح می دهند سرگرم شوند تا این که مطلع شوند.» خب، مگر این که با یادگیری شیوه های جدید نگاه به زندگی سرگرم شوید، وگرنه احتمالاً این کتاب را بیش از آن که سرگرم کننده بدانید آموزنده خواهید یافت. این کتاب، بیش از این که شبیه به رمانی باشد که می خوانید، از آن لذت می برید و سپس آن را کنار می گذارید، شبیه به یک کتاب درسی در زمینه اصول دستیابی به ثروت، تندرستی و خوش بختی و حفظ آن هاست، کتابی است که باید مطالعه شود و مورد استفاده ی عملی قرار گیرد.

من به سبب این آموزه ها هدایت شدم زیرا می خواستم به دیگران کمک کنم که به ویژه در دستاوردهای مالی احساس بهتری داشته باشند؛ بنابراین، به طور خاص از این خوشحالم که این کتاب پول آور در راه رسیدن به کسانی است که پرسش هایی دارند و به آن ها پاسخ خواهد داد.

این کتاب یعنی پول و قانون جذب، دومین کتاب از چهار کتاب برنامه ریزی شده ی قانون جذب است. دو سال پیش قانون جذب، یکی آموزه های آبراهام را منتشر کردیم. کتاب بعدی روابط و قانون جذب است و آخرین کتاب این مجموعه معنویت و قانون جذب خواهد بود.

مراجعه ی مجدد به این مطالب که زندگی را متحول می کنند به منظور آماده سازی این کتاب برای انتشار، برای من و استر تجربه ی دل پذیری بود چرا که آن اصول ساده و بنیادینی را که آبراهام در آغاز ارتباطمان با ما به بحث گذاشت برایمان یادآوری می کند.

از ابتدا، من و استر در نظر داشتیم آن چه را که آبراهام تعلیم می داد در زندگی خود به کار بندیم و در نتیجه تجربه ی شادی آور رشدان چشم گیر بوده است: پس از دو دهه تمرین این اصول، من و استر هنوز عاشق یکدیگر هستیم. با این که اکنون ساخت این خانه ی جدید را در کالیفرنیا به پایان رسانده ایم و درگیر فرایند ساخت

یک خانه‌ی جدید در مجتمع تجاری خود در تگزاس هستیم، آن قدر از بودن در کنار یکدیگر لذت می‌بریم که بیشتر سال آینده را نیز در سفر خواهیم گذراند (در خانه‌ی اتوبوسی ۴۵ فوتی‌مان از کارگروهی به کارگروه دیگر). ما ۲۰ سال است که هیچ‌گونه معاینه‌ی پزشکی (یا بیمه) نداشته‌ایم. بدهی نداریم و مالیات بر درآمدی که امسال خواهیم پرداخت از کل پولی که در همه‌ی سال‌های پیش از دریافت راهنمایی‌های آبراهام کسب کرده‌ایم بیشتر است - و با این حال نه این همه پول و نه این سلامتی‌مان نمی‌توانند ما را خوشحال کنند، من و استر به هر حال هنوز در حال یافتن راه‌هایی برای شادمانی هستیم.

و در نتیجه، طبق تجربه‌ی شخصی خودمان و با شادی وصف‌ناپذیری می‌توانیم به شما بگوییم که: جواب می‌دهد.

(یادداشت ویراستار: لطفاً توجه داشته باشید: از آن جا که برای بیان دقیق این اندیشه‌های ماورائی که استر دریافت می‌کند واژگان فیزیکی همیشه کافی نیستند، گاهی از ترکیبات جدیدی از کلمات استفاده می‌کند و هم‌چنین واژگان معمول را به شیوه‌های جدیدی به کار می‌بندد. مثلاً کلمات را با حروف درشت می‌نویسد تا نگاه تازه‌ای را به روش‌های قدیمی نگاه به زندگی بیان کند.)